

لذتِ خواندن

مارسل پروست

مترجم: محمدصادق رئیسی



نشر نیام امروز

تهران، ۱۳۹۷

سرشناسه: پروست، مارسل، ۱۸۷۱ - ۱۹۲۲م.

Proust, Marcel

عنوان و نام پدیدآور: لذت خواندن / مارسل پروست؛ مترجم محمدصادق رئیسی.

مشخصات نشر: تهران: پیام امروز، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۴۷ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-964-5706-86-7

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "Days of reading" به فارسی ترجمه شده است.

عنوان دیگر: روزهای مطالعه.

موضوع: داستان‌های کوتاه فرانسه -- قرن ۲۰م.

Short stories, French -- 20th century

شناسه افزوده: رئیسی، محمدصادق، ۱۳۵۱ - مترجم

PQ۲۶۰۸ / ر۹۹ ۱۳۹۶

رده بندی ی.سی: ۸۴۳/۹۱۲

شماره ثبت: ۵۰۵۶۸۶۹ ملی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Days of Reading

از مجموعه

Penguin Great



نشریه پرنس

لذت خواندن

نویسنده: مارسل پروست

مترجم: محمدصادق رئیسی

ناشر: پیام امروز

طرح جلد: هدیه مرادی (اجرا: دفتر نشر رازگو)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

نشانی ناشر: تهران، خیابان لبافی‌نژاد، بین فروردین و فخررازی، شماره ۲۰۰، طبقه اول - تلفن: ۶۶۴۹۱۸۱۷

شابک: ۷ - ۸۶ - ۵۷۰۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست

۹	پیشگفتار مترجم فارسی
۱۷	۴. میل او به جان راسکین
۶۲	یادداشت‌ها
۶۷	فصل دوم: رزهای راندن (I)
۱۰۸	یادداشت‌ها
۱۱۷	فصل سوم: روزهای راندن (II)
۱۲۷	فصل چهارم: از «سیاق سن بر» «گزیر کویه»
۱۳۵	فصل پنجم: پروست از سوان سحر گفت
۱۳۹	نمایه

پیشگفتار مترجم فارسی

۱. ر. با. مارسل پروست

پیرامون زندگی مارسل پروست (۱۹۲۲ - ۱۸۷۱)، چیز چندان تازه‌ای نمی‌توان گفت؛ چرا که همان رمان بلند و بی‌همتای «در جستجوی زمان از دست رفته»^۱ کافی است تا به چنان نام بلند آوازه‌ای در جهان دست یابد که تا همیشه بر تائید ذبیات جهان همچون نگینی بدرخشد. اما شهرت پروست صرفاً به آثار «مانتر» محدود نمی‌شود. او مقالات بسیاری نیز در باب موضوعات گوناگون رشتهٔ تحریر درآورده است؛ از جمله: پیرامون هنر، اندیشه، خواندن، اندیشه‌ها، متفکران، نقاشان و... برخی از این مقالات در نشریات و مجلات هنر و مختلف منتشر شده‌اند. برخی از مقالات در زمان حیات وی در کتابی به نام «میدند و تعدادی هم به صورت ناتمام، پس از درگذشت پروست منتشر شدند. فعالیت‌های ادبی جدی پروست از سال ۱۸۹۲ آغاز شد و او همکاران را با نشریهٔ «لوپانکه» آغاز کرد. در این نشریه ۱۵ مقاله از پروست به چاپ رسید که بعدها در کتاب «خوشی‌ها و روزها» دوباره منتشر شد. او همکاری خود را با نشریات ادبی ادامه داد. برای نخستین بار با «سونات دومین» برای

۱. A la recherche du temps Perdu، این رمان که در ۷ مجلد و در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۲۲ نوشته شده، به تحلیل عمیق جامعهٔ فرانسه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌پردازد. این رمان توسط مهدی سحابی به فارسی ترجمه شده است.

بیانو و ویلن، اثر «سن سان»^۱ آشنا شد و نگارش رمان «ژان سستوی» را از سر گرفت. در ژوئن همان سال چاپ کتاب «خوشی‌ها و روزها»ی وی با مقدمه آناتول فرانس^۲ و تصاویر مادلن لومر منتشر شد. پروست در ژانویه ۱۹۰۸ نگارش اثر عظیم‌اش - «در جستجوی زمان از دست‌رفته» - را آغاز کرد. سال ۱۹۰۹، او هرگونه رفت‌وآمد را به کناری نهاد و یکسره به نشستن پرداخت. در سال ۱۹۱۸، پروست مقدمه‌ای بر «گفته‌های نقاش رشته ژاک امیل بلانش»^۳ نوشت. در ماه ژوئن «در سایه دوشیزگان ثانوفا» و «مجموعه مقالات» چاپ شد. در ماه نوامبر همان سال، جایزه ادبی گنکور به «در سایه دوشیزگان...» تعلق گرفت و پروست به سرعت به شهرت رسید. پروست که از دوران کودکی بیمار بود و سلامتی شکننده‌ای داشت، در سال ۱۸۸۰ برای نخستین بار دچار بیماری آسم شد و این بیماری تا آخر عمر او ماند که سرانجام در اواسط اکتبر سال ۱۹۲۲ به برونشیت مبتلا شده و در روز هفتم نوامبر جان سپرد. مارسِل پروست در گورستان پرلاشز به خاک سپرده شد. پس از مرگ وی؛ در سال ۱۹۲۳ «اسیر» در دو مجلد، سال ۱۹۲۵ «تاریخته» در دو مجلد، سال ۱۹۲۷ «زمان بازیافته» در دو مجلد، سال ۱۹۵۲ «ژان سستوی» در دو مجلد و سال ۱۹۵۴ اثر ناتمام «ضد سن بو» به چاپ رسید.

۲. پروست‌نگاری

بی‌تردید هنگامی که نام «مارسل پروست» بر زبان جاری می‌شود، نخستین تصویری که در ذهن شکل می‌گیرد، «دشوارنویسی» او است. این «پدیده» همواره از همان نخستین نوشته‌های او نمایان است؛ البته «دشوارنویسی» نه به معنای «مُغلق‌گویی» مرسوم آن، که بیشتر در مفهوم

۱. Camille Saint Saens (۱۹۲۱ - ۱۸۳۵) آهنگساز دوره رمانتیک، که در کلیسای مادلن آرگ می‌نواخت.

۲. نویسنده برجسته فرانسوی (۱۹۲۴ - ۱۸۴۴)، که او را «پادشاه نشر فرانسه» لقب داده‌اند.

۳. Jasques - Emile Blanche (۱۹۴۲ - ۱۸۶۱)، نقاش تک‌چهره‌پرداز فرانسوی.

ایجاد راهی تازه در بیان توصیفات دقیق ذهن و کشف فضاهای انتزاعی. در این راه، نخستین اتفاق در سطحِ روساختی زبان رخ می‌دهد، بدین معنا که «جمله» معنای جاری خود را از دست داده و به یک فضای بیکران نزدیک می‌شود. در این فضا، تنها عنصر مهم و پراهمیت «زمان» است به دو معنای عینی و فلسفی. نخست «زمان تقویمی» و دیگری «زمان کرونولوژیکی». پروست خط ربط این دو زمان را در هم می‌ریزد. یعنی در ساختِ روساختی زبان وی، ما با «شکست زمان» روبرویم. در این «شکست»، راهی جز تن دادن به جمله‌های بلند نیست. جمله‌های بلند، نیاز در گزاره، که فاصله میان نهاد و گزاره‌ها به اندازه‌ای زیاد می‌شود که طول جمله‌ها را گاه به چند پاراگراف و صفحه می‌رساند. این امکان زبانی که خصلاً کمتر زبانی در جهان است، با پروست به عرصه زبان اروپا راه یافت. بودا و در یادداشتی بر «خانه سوان» می‌نویسد: «تلقی من از زمان، تنها هندسه سطح نیست، بلکه روان‌شناسی زمان است.» این تلقی پروستی را باید با شناسات عمیق و ریشه‌ای او به آثار بزرگان، شاعران، نویسندگان، نقاشان، فیلسوفان و... علاوه کرد. درک عظیم پروست از زندگی واقعی، اوضاع اجتماعی قرن نوزدهم، آشنایی عمیق با فلسفه و زیبایی‌شناسی هنر، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و... همگی سبک و فرم و زبان آثار او را به جانی سرافراز داد که آن گزاره‌های به ظاهر از هم گسسته نحوی، در پی کشف معنای انتزاعی و شکافتن لایه‌های پنهان چندگانه معنایی است. پروست با این شیوه در پی کنار زدن لایه‌های هستی است تا انسان پیرامون خود و انسان تاریخی را به درک زیبایی جهان و هستی راهبر باشد.

کتاب حاضر دربرگیرنده پنج مقاله از میان مقالات پروست است که در زمره صد کتاب در حوزه «ایده‌های بزرگ»^۱ قرار دارد. کتاب‌هایی که هر

۱. این مجموعه در حوزه‌های متنوع تاریخ، اندیشه، ادبیات و هنر می‌باشد که برای نخستین بار در سال ۲۰۰۸ منتشر شده‌اند.

یک در گذر تاریخ، نگاه و تفکر انسان را نسبت به خود و جهان تغییر می‌دهند. این کتاب‌ها باید خوانده شوند تا گره‌های کور و بسته این جهان به ظاهر ناگشوده، گشوده شوند. به دست «زمان» و به دست «اندیشه». دو عنصری که شاکله آثار پروست‌اند. نخست مقاله «جان راسکین» است؛ یکی از مهم‌ترین مقاله‌های پروست می‌باشد. سال ۱۸۹۹، آغاز علاقه پرشور پروست به آثار راسکین است. این مقاله از یک سو، شناخت عمیق وی به جان راسکین و هنر بی‌همتایش را نشان می‌دهد و از سوی دیگر آشنایی و تسلط ژرف پروست به آثار غنی نقاشی و معماری از دورترین عصر تا دوره معاصر است. نگاهی ژرف بر سیر هنر نقاشی، نگارگری، معماری، بررسی دقیق به تفکر جاری در آثار و دلدادگی و دلبستگی به این هنرمندان، نویسندگان و فیلسوفان در جای‌جای مقاله نمایان است. به لحاظ سبک نگارش نیز همان سبک رمان «در جستجوی ...» حاکم است.

در دو مقاله «روزهای ...» از آن «نیز همان سبک و سیاق ادامه دارد. بیان و ثبت آن چیزهایی است خواننده چه در صفحات کتاب، چه از صفحات جهان و چه از دقیق شد. در شکل معماری خانه‌ها و اماکن عمومی و مذهبی. نگاه زیبایی‌شناسانه پروست در لابه‌لای سطور این دو مقاله، مخاطب را با اوضاع اجتماعی و هنری قرن نوزدهم آشنا می‌کند. اما در پایان دو مقاله کوتاه و البته ناتمام آمده که نگاه انتقادآمیز پروست است؛ یکی به «سن بو»^۲ و اندیشه‌های او و دیگری «سنت از سوان سخن گفت» که در واقع به نوعی شکواییه‌ای است برای انسان‌هایی که اهمیت این رمان در حال نگارش او را در نمی‌یافتند. به گمان من برای همه آنانی که در به اتمام رساندن رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» ناکام مانده‌اند، این مقاله‌ها می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد.

۱. عنوان اصلی کتاب پروست هم (The Days of Reading) است که در ترجمه فارسی به «لذت خواندن» تغییر پیدا کرده است.

۲. Charles – Augustin Sainte Beuve، شارل آگوستین سن بو (۱۸۶۹ – ۱۸۰۴)، نویسنده، شاعر و منتقد ادبی قرن نوزدهم اهل فرانسه.

۳. جان راسکین

جان راسکین (۱۸۱۹ - ۱۹۰۰) منتقد هنر در عصر ویکتوریا، طراح، نقاش، متفکر اجتماعی برجسته بود. او در موضوعات متنوعی نظیر زمین‌شناسی، معماری، اسطوره‌شناسی، پرنده‌شناسی، ادبیات، اقتصاد سیاسی و حتی گیاه‌شناسی مطالب قابل توجهی نگاشته است. از این رو، سبک و فرم آثارش نیز بسیار متنوع بودند. در آغاز به بیان توصیفات ظریف، توجهی وافر داشت که بعدها جای خود را به بیانی ساده جهت اثرگذاری بیشتر افکارش داد. شاکله تفکرات راسکین، ارتباط میان طبیعت، هنر و جامعه است. صداقت در بیان طبیعت، توجه به مسائل اجتماعی، سیاسی، ایجاد تفکر جامعه‌ای ایده‌آل از دیگر خصیصه‌های آثار اوست که آنها را مقدم بر هر مسئله علمی دانسته و آن را برای هر هنرمندی ضروری می‌دند. عمده آثار راسکین به مباحث اخلاقی می‌پردازند؛ مباحث مهم و سنانی نظیر حقیقت، ایشار، قدرت، زیبایی، زندگی، خاطره و فرمانبرداری؛ که آن توجه راسکین است که آنها را در معروف‌ترین اثر خود «هفت چراغ معماری» در سال ۱۸۴۸ منتشر می‌کند. راسکین در گذار تفکر خود به بررسی بی‌والای هنر قرون وسطایی و احیای اصول معماری گوتیک توجه ویژه‌ای دارد که به نوعی به معماری دوره‌های تاریخی نظر دارد. این سبک نوعی سبک مذهبی بود و همواره در خدمت کلیسا قرار داشت که تقریباً در اواخر سده دوازدهم میلادی در فرانسه پدید آمد.

راسکین از نگاهی تیزبینانه و نقادانه برخوردار بود. انتقادی او در دفاع از نقاشان پیشارافانلی و ویلیام ترنر در کتاب مهم «تشنه مد» به نگارش درآمده است. وی آثار مهم و اثرگذار دیگری هم داشته که بر معاصران و اندیشمندان پس از وی نیز تأثیر بسزایی گذاشته است. از آن جمله: «تورات آمیان، کنجد و سوسن‌ها، هفت چراغ معماری» از شهرت بالایی در جهان برخوردارند.

راسکین همچون افلاطون، بر آن بود که هنرمند باید خود را وقف تقلید از طبیعت نماید. تقلید نه از آن باب که چشم و گوش بسته، تمام توش و توان خویش را به محاکات صرف کند، بلکه از آن قسم که به «زیبایی محض طبیعت» دست یابد. توجه بی حد و حصر راسکین به «نقاشی» به طور اخص، - و هنرهای تجسمی از جمله مجسمه سازی، تند کاری و هنرهایی از این دست بیشتر از آن جهت بوده تا به تبیین ریاضی شناسی از منظر فلسفه و از آنجا به کاربرد آن در جامعه بپردازد. برا که هنر نقاشی اروپا - از نخست - در زمره هنرهای قلمداد می شد که تأثیر ژرف بر روح و جسم انسان داشته. انسان را به تفکر وامی دارد؛ او را به یاد ریاضیات پای پیرامون خودش می اندازد، اثراتش را بر بناهای تاریخی و دیوارهای - مویژ - کلیساها می توان دید؛ و دست به برداشت های گوناگون و پرمعنا زد. راسکین در هنرهای بصری به دنبال معناهای فلسفی است. کشف حقیقت نهایی.

۴. پروست - راسکین

پروست، پروست است و راسکین، راسکین. پروست در آغاز راه کسب نام و شهرت است و راسکین انسانی پر اواز و خرامند. چیزی باید این دو را به هم نزدیک کرده باشد. چیزی که ویژگی مشترک هر دو باشد. و آن «چیز» مشترک بی تردید درک «زیبایی» بود. «راسکین نقطه یک کیش داشت؛ و آن کیش زیبایی بود.» این را پروست در آغاز نثرات خود در باب راسکین می گوید. و چنان شیفته وار پیش می رود که جای فروتنانه اعتراف می کند: «من امروز آن قدر به او عادت کرده ام...» این «عادت» تا حد کشف امکانات تازه اندیشه پیش می رود. در پی همین شیفتگی، ترجمه کتاب «تورات آمیان» را در سال ۱۹۰۲ به پایان می برد. «کنجد و سوسن ها» را ترجمه می کند. راسکین در سلول های او خانه می کند. راسکین می شود، پروست می شود. در این راسکین پروست شدگی،

«هویتی» تازه سر برمی آورد. «حسرتی» تازه، که در جستجوی «زمان» به راه می افتد. مگر انسان چیزی به جز «حسرت و حرمان» نیست! مگر تنها در پی «فقدان» های خویشتن نیست! آری انسان به تمامی حسرت های بی پایان هستی است. حسرت بی پایان کشف زیبایی جهان با دست و چشم تهی! از این گونه است که جمله ها را کش می دهد، جمله در جمله، تا بی انتها؛ پس پروست را چه می شود! پس چرا در پی به پایان بردن جمله های خود نیست! مگر غیر از آن است که می خواهد آن «حسرت و حرمان» را در پس ذهن پنهان کند، مگر نمی خواهد آن «ناگزیر حاضر» را - مرگ را به تأخیر بیندازد! مثل راوی بلند «هزار و یک شب». مثل به بازی گرفتن مرگ در پس شکست زمان در خلأ، در بی زمانی، زمان به زمان. پروست این گونه با ما سخن می گوید. راسکین این گونه سخن می گوید. پروست از زندگی سخن می گوید. از عشق، از زیبایی، از هستی - و اینها همه، میراث راسکین است. و میراث تاریخ تفکر بشری.^۱

محمدصادق رئیسی

تهران، پاییز ۱۳۹۶

۱. لازم به ذکر این که «یادداشت» های فصل ها از نویسنده است؛ و تمامی «پانویشت» ها از مترجم فارسی.